

درس خارج اصول استاد مهدی گنجی

۹۷/۰۲/۲۳

بسم الله الرحمن الرحيم

« فهرست دروس

محتویات

۱ صحیح و اعم

۱.۱ تصویر جامع بنا بر قول به اعم

۱.۱.۱ قیام مع الفارق بودن کلام مرحوم خوئی

۱.۲ تصویر چهارم

۱.۲.۱ جواب مرحوم اخوند از تصویر چهارم

۱.۳ تصویر پنجم

۱.۳.۱ جواب مرحوم اخوند از تصویر پنجم

۱.۳.۲ مختار استاد

۲ توصیه های استاد

موضوع: تصویر جامع بنا بر قول به اعمی / صحیح و اعم / مقدمات علم

اصول

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در مورد تصویر نزاع بنا بر قول به اعمی بود که در جلسه قبل سه تصویر از کلام مرحوم اخوند بیان شد اولین جامع جمله ای از اجزا بود که مثلاً ان را ارکان مینامیدند و دومین جامع معظم اجزا بود و سومین جامع تنزیل بود در این جلسه به بیان دو جامع دیگر از کلام ایشان پرداخته میشود

۱ صحیح و اعم

۱.۱ تصویر جامع بنا بر قول به اعم

حوزه علمیه قم

مسجد اعظم

قم

مدرسه فیضیه

مدرسه خان

مدرسه آیت الله گلپایگانی

سایر مدارس

فقه معاصر

تفسیر و نهج البلاغه

رجال

دروس به زبان عربی

مباحث مستحدثه حکومتی

سرفصل های ۱۴۰۱ - ۱۴۰۰

پرونده علمی

فهرست مسائل

موضوع درس اساتید

حوزه علمیه نجف

نجف

حرم امیرالمؤمنین (ع)

مساجد

حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت الله خوئی

سایر مدارس مشهد

تفسیر و نهج البلاغه

سایر حوزه ها

شهرستانها

کربلا

بیروت

دمشق

داکار (آفریقا-سنگال)

قطیف و احساء

کابل

سایر موضوع ها

کلام و فلسفه

طب در روایات

بزرگان معاصر

تقریر عربی درس ها

راهنما

تقریر نویسی

مشکلات

ثبت نام پخش زنده

ثبت نام

ویرایش اطلاعات

نرم افزار پخش زنده-رایانه

نرم افزار پخش زنده-اندروید

سایت های مرتبط

کتابخانه مدرسه فقهات

ویکی فقه

ویکی پرسش

۱.۱.۱. اقیام مع الفارق بودن کلام مرحوم خوئی

بحث در تصویر جامع بود بنا بر اعمی. مرحوم اخوند پنج تصویر ذکر کرده است ارکان که از میرزا بود معظم اجزا بود که از مشهور بود و تنزیل بود کلمه ای که قابل توجه است ادعای مرحوم خوئی بود که کلام ایشان در مورد ارکان بود ولی در معظم نیز مطرح است و با اضافه کردن کلمه لا بشرط مشکل را حل کرده است مشکل این بود که استعمال الفاظ در فرد صحیحی که تام باشد باید مجازی باشد اما مرحوم اخوند فرمود که جامع یک امر وحدانی است و طبق این ادعا ان مشکله جا ندارد ولی اعمی ها باید یک مرکبی را تشکیل بدهند که قابل تطبیق بر همه افراد باشد.

مرحوم آقای خوئی فرمود با اضافه کردن کلمه لا بشرط این مشکله را حل میکنیم به این بیان که کلی میشود مثلا ارکان لا بشرط قابل انطباق بر هر مرکبی است و این مطلب را به اسما بلاد تنظیر کرد مثلا لفظ دار وضع شده است برای وجود دیوار و خانه. که لا بشرط است حال یک بیت باشد یا دو بیت باشد یا بیشتر. ما گفتیم کلمه لا بشرط مشکل را حل نمیکند و موجب صحت استعمال حقیقی نمیشود و تنظیر ایشان با محل کلام فرق میکند زیرا کلمه دار جامع بین همه افراد است حال میخواهد یک خانه باشد یا دو خانه باشد ولی در محل کلام فرق میکند چون نماز مثلا دارای افراد متباین است که دارای مقولات متباین است و لا بشرط بودن باعث میشود که از مسمی خارج شود چون لا بشرط یعنی رفض قیود است و قیود اخذ نشده است و خارج شدن از مسمی است

۱.۲. تصویر چهارم

وضع الفاظ عبادات را به وضع اسامی معاجین و مرکبات عرفیه قیاس کرده اند، و گفته اند: در باب معاجین و مرکبات خارجییه مطلب از این قرار است که مثلا عطار يك داروی گیاهی را از چندین ماده گیاهی ترکیب کرده و با یکدیگر عجین می کند و برای مداوای بیماران بکار می برد، و برای معجون یا مصنوع خویش نامی انتخاب می کند، آنگاه در مقام اسم گذاری، ابتدا آن معجون یا مصنوع را با تمام اجزاء و خصوصیات لازم و بدون کم و کاست و بدون اضافه بر آن، منظور می کند و لفظ را هم برای همان مجموعه کامل و تام وضع می کند ولی بعدا خود مخترع و صانع که از اهل عرف است و یا سایر مستعملین قدری توسعه داده و با مسامحه ای که در طبیعت انسانها، مرتکز و ریشه دار است که

خیلی دقت نمی‌کنند و مقید به اطلاق آن لفظ بر جامع جمیع اجزاء نیستند، بر معجون یا مصنوعی هم که احیاناً جزئی کم و زیاد داشته باشد این اسامی را اطلاق می‌کنند و این اطلاق هم حقیقی است نه مجازی از باب حقیقت ادعائیه جناب سکاکی: مرحوم نائینی این مطلب را قبول کرده است منتها گفته است که جامع بین نماز حاضر و مسافر. و از اول کلام را دو قسم کرده است.

۱.۲.۱ جواب مرحوم آخوند از تصویر چهارم

مرحوم آخوند در جواب می‌فرماید: قیاس الفاظ عبادات به اسامی معاجین و مرکبات عرفیه، قیاس نادرست است. زیرا در معجونهای عرفی و مرکبهای خارجی، ما يك امر مضبوط داریم که جامع جمیع اجزاء و شرائط است و روز اول آن را در نظر می‌گیریم و اسم می‌گذاریم ... ولی در عبادات، ما يك صحیح مطلق و من جمیع الجهات و بالنسبة به همه حالات و افراد نداریم که روز اول آن را لحاظ کنیم، بلکه هر مرتبه‌ای را که در نظر بیاورید، حتماً صحت و فساد آن نسبی خواهد بود یعنی نسبت به فردی صحیح و نسبت به فرد دیگر فاسد است، نسبت به حالتی صحیح و نسبت به حالت دیگر فاسد است پس چیز معینی نداریم تا وضع اولیه الفاظ عبادات را روی آن پیاده کنیم.

۱.۳ تصویر پنجم

اعمیها وضع الفاظ عبادات را به وضع اسامی اوزان (مثقال - سیر، کیلو، من، خروار، تن و ...) و سایر مقادیر (سانتیمتر، متر، کیلومتر، فرسخ، هکتار، جریب و ...) مقایسه کرده و گفته‌اند: همان‌طوری که اسامی اوزان و مقادیر حقیقت هستند در اعم از کامل و ناقص، الفاظ عبادات نیز این‌گونه‌اند روز اول همان حد معین را لحاظ کرد و لفظ متر یا مثقال را هم برای خصوص آن وضع کرده ولی بعداً در وزن و اندازه کم یا زیاد هم (که ذره‌ای کم یا زیاد شود) مجازاً استعمال شد، تا آنجا که به درجه کثرت استعمال رسید و وضع تعینی پیدا کرد. و الفاظی که روز اول در خصوص جامع و کامل حقیقت شدند، روز دوم در اعم حقیقت گردیدند.

۱.۳.۱ جواب مرحوم آخوند از تصویر پنجم

مرحوم آخوند در رد این وجه هم می‌فرماید: باز قیاس مع الفارق است، زیرا که در باب اوزان و مقادیر از روز اول يك حد معین و مشخصی وجود دارد که واضع آن را لحاظ کند و بقیه مراتب یعنی ناقص و کامل را با آن بسنجد و آن معیار باشد، ولی در باب عبادات مخصوصاً در مثل نماز يك صحیح مطلق و

من جميع الجهات وجود ندارد که روز اول آن را لحاظ کند و لفظ را برای اعم قرار دهد، بلکه هر مرتبه‌ای را مطرح کنید، خواهیم گفت صحت و فساد آن نسبی است نه مطلق، پس اینجا نمی‌توان خصوص مرتبه‌ای را لحاظ و وضع کرد.

علاوه بر این در اوزان که ادعا شده است که در اقل یا در اکثر حقیقت است درست نیست مثلاً یک کیلو در حقیقت همان هزار گرم است اگر در مقدار کمتر از آن استعمال میکنند تسامح است و حقیقت ندارد و تعجب از ادعای رشتی است که میگوید استعمال درکم و زیاد حقیقت است. و در اوزان اساس وضعشان بر دقت است

۱.۳.۲ مختار استاد

ما ادعا کردیم که جامع ممکن است باب اعتبارات است اینکه نتوانیم یک جامعی تصویر کنیم درست نیست موضوع له این الفاظ یک معنایی است که قابل انطباق بر هر مرکبی است و همه قبول دارند در مقام بیان یکی معظم گفته است و یکی ارکان لا بشرط و یکی تام به ضم استعمال در بقیه گفته است همه در ارتکازشان بوده است که اطلاق مجموع بر کم و زیاد حقیقت است ولی می‌خواهند بیان کنند که چگونه میشود که با این عرض عریض اطلاق حقیقی باشند پس همه قبول دارند که معنای این الفاظ یک جمله ای از افعال مخصوص و محدود نیست و هیچ کس نمیگوید که نماز این ارکان است نه کم و نه زیاد. بلکه موضوع له توسعه ای دارد و به تفصیل نیست. به ذهن ما میاید که مساعد اعتبار و شان مخترع این است که در ابتدا یک مجموعه در مقام اسم گذاری مجموعه های از اجزا را به ذهن می‌آورد که این آوردن به ذهن نیز به تفصیل است ولی چون میبیند که مرکبات در معرض تغییر هستند و اضافه و کم میشوند شخصی که التفات به معرضیت آن اختراع شده دارد به طور طبیعی در مقام اسم گذاری میگوید من این لفظ را وضع کردم برای مجموعه ای که تصور کردم به اضافه چیزهایی که نزدیک این مرکب است تا بعداً اضافه و کم شدن در زمان های بعدی موجب مجاز گویی نشود پس لفظ برای خصوص مفصلات وضع نشده است و لو اینکه در ذهنش تفصیلی است ولی برای ما یقرب به وضع کرده است مثلاً لفظ دو چرخه را با تفصیل در ذهنش احضار کرده است ولی برای خصوص آن وضع نکرده است بلکه برای ما یقرب به آن وضع کرده است. حال محقق رشتی میگوید موضوع له عبارت است از اجزایی که اضافه و

کم بشود که همین مطلب را می‌خواهد بگوید یا مثلاً مرحوم خوبی که کلمه لا بشرط را اضافه کرده است و موجب اشتباه شدن شده است ولی حقیقت آن همین مطلب است که لفظ برای یا یقرب به آن مجموعه وضع شده است. مرحوم اخوند در ادامه فرموده است که باید وضع عام باشد و موضوع له عام باشد که ما آن را بحث کردیم و بعد بحث به ثمره میرسد که در سال آینده تحصیلی به بیان آن میرسیم

۲ توصیه های استاد

تدریس و مباحثه ریما تعطیل میشود ولی مطالعه و تلاش علمی تعطیل نمیشود و باید تلاش کنید اگر اول سال تحصیلی یک درس با آخر سال تحصیلی یک درسی تفاوتی نداشت عمر خود را زایل نکنید بلکه درسی بروید که شما را راه بیاندازد و فکر شما را حرکت بدهد و حرف ها را بهتر بفهمید. اساساً درس خارج برای فهم یک فرع و مسئله نیست بلکه مهم در درس خارج حرکت فکر انسان است. درس خارج برای نوشتن و شنیدن نیست و هدف نیست بلکه هدف کسب قدرت فکری است و به وجدان مطالب را دریافت

